

Performance Evaluation of Interference Morphine and β -Adrenergic System of Dorsal Hippocampus on Anxiety-Related Behaviour in Male Wistar rat

Elmira Beirami¹,
Shahrbanoo Oryan¹,
Farhad Valizadegan¹,
Mohammadreza Zarrindast²

¹ Faculty of Biological Sciences, Tarbiat Moallem University, Tehran, Iran
² Department of Pharmacology, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran

(Received December 19, 2011 ; Accepted June 25, 2012)

Abstract

Background and purpose: The adrenergic system is known to have modulatory influence on anxiety-related behaviour both in human and animals. Dorsal hippocampus is an important brain site in modulation of neurotransmitter and neuroendocrinology of anxiety. The present study, was designed to evaluate the interactions between adrenergic and opioidergic systems in dorsal hippocampus on anxiety.

Materials and methods: The male Wistar rats, weighting 200-250 grams, were used. At the time of surgery the animals were anesthetized and placed in the stereotaxic apparatus and were cannulated bilaterally. The elevated plus-maze was used to measure the anxiety. Percentage of open arm time (OAT%) and open arm entry(OAE%) was used for evaluation of anxiety.

Results: Intra peritoneal administration of morphine (6mg/kg) increased the percentage of open arm time (OAT%) in anxiety test, indicating anxiolytic-like effect. Intra dorsal hippocampus infusion of salbutamol, β_2 -adrenergic receptor agonist, (4 μ g/rat) increased OAT% in anxiety test, demonstrating anxiolytic-like effect. While co-administration of intra dorsal hippocampus salbutamol (4 μ g/rat) and ineffective dose of morphine (4mg/kg) showed significant increase of OAT% in anxiety test, thus presenting anxiolytic response. Intra dorsal hippocampus administration of propranolol, β_2 -adrenergic receptor non-selective antagonist, (4 μ g/rat) decreased OAT% ,indicating of decrease anxiety-like behaviour. While co-administration of intra dorsal hippocampus propranolol (4 μ g/rat) and effective dose of morphine (6mg/kg) showed a significant increase of OAT%, presenting anxiolytic response. Co-administration of ineffective doses of morphine (4mg/kg) and propranolol (1 μ g/rat) with the effective dose of salbutamol (4 μ g/rat), showed that propranolol could reverse the anxiolytic-like effect of morphine and salbutamol. It should be noted that there are no significant changes in locomotor activity.

Conclusion: The results indicate that morphine creates the compromise changes in adrenergic neurons of dorsal hippocampus by changing the effects of β -adrenergic system on anxiety.

Key words: Anxiety, noradrenergic system, morphine, dorsal hippocampus

J Mazand Univ Med Sci 2012; 22(91): 50-59 (Persian).

ارزیابی تداخل عملکرد مورفین و سیستم β -آدرنرژیک هیپوکامپ پشتی بر رفتارهای شبه اضطرابی در موش های صحرائی نر بالغ نژاد ویستار

المیرا بیرامی^۱
شهربانو عریان^۱
فرهاد ولی زادگان^۱
محمد رضا زرین دست^۲

چکیده

سابقه و هدف: سیستم آدرنرژیک دارای تأثیرات تنظیمی بر رفتارهای مرتبط با اضطراب در انسان و حیوانات می باشد. هیپوکامپ پشتی جایگاه مهمی در تنظیم نوروترانسمیتری و نورواندوکرینی اضطراب در نظر گرفته می شود. هدف از مطالعه حاضر بررسی اثرات سیستم آدرنرژیک هیپوکامپ پشتی بر اضطراب و تداخل آن با سیستم اویپوئیدرژیک در تنظیم رفتارهای اضطرابی می باشد.

مواد و روش ها: در این مطالعه از ۱۵۶ رت نر نژاد ویستار با محدوده وزنی ۲۵۰-۲۰۰ گرم استفاده شد. حیوانات در ۲۶ گروه ۶ تایی قرار گرفته و با استفاده از دستگاه استرنوتاکسی به صورت دوطرفه در ناحیه CA₁ هیپوکامپ کانول گذاری شده و با دستگاه Elevated plus-maze تست شدند. درصد زمان گذرانده شده در بازوهای باز و درصد ورود به بازوهای باز این دستگاه به عنوان اندکس هایی جهت تعیین میزان اضطراب مورد محاسبه قرار گرفتند.

یافته ها: تزریق درون صفاقی مورفین (6mg/kg) سبب افزایش معنی داری در درصد زمان گذرانده شده در بازوی باز (open arm time (OAT%) گردید، که نشان دهنده پاسخ شبه اضطراب زدایی می باشد. تزریق سالبوتامول (4μg/rat)، آگونیست رسپتور β_2 -آدرنرژیک، در ناحیه CA₁، نیز تاثیر اضطراب زدایی داشت. به علاوه تزریق توام دوز مؤثر سالبوتامول (4μg/rat)، به همراه دوز بی اثر مورفین (4mg/kg; i.p) اثر سینرژیستی مورفین و سالبوتامول را در کاهش اضطراب نشان داد. تزریق پروپرانولول (4μg/rat)، آنتاگونیست غیرانتخابی رسپتور β_2 -آدرنرژیک، در ناحیه CA₁، سبب بروز رفتار شبه اضطرابی گردید. همچنین تزریق توام پروپرانولول (4μg/rat)، به همراه دوز مؤثر مورفین (6mg/kg; i.p) موجب افزایش OAT% شد، که نشان از اثر اضطراب زدایی دارد. تزریق توامان دوز بی اثر مورفین (4mg/kg; i.p) و پروپرانولول (1μg/rat) به همراه دوز مؤثر سالبوتامول (4μg/rat)، نشان داد که پروپرانولول سبب بازگشت اثرات ضد اضطرابی سالبوتامول و مورفین گردید. لازم به ذکر است که تغییر معنی داری در مورد فعالیت حرکتی حیوان در هیچ یک از موارد فوق مشاهده نگردید.

استنتاج: نتایج نشان می دهند که مورفین با سیستم نورآدرنرژیک هیپوکامپ پشتی میان کنش داشته و با ایجاد یک سری تغییرات سازشی در نورون های نورآدرنرژیک این ناحیه سبب تغییر در اثرات سیستم β -آدرنرژیک بر روی اضطراب می شود.

واژه های کلیدی: اضطراب، سیستم نورآدرنرژیک، مورفین، هیپوکامپ پشتی

مقدمه

از دیدگاه فیزیولوژیک، اضطراب واسترس واکنش های پیچیده ای در ارگانیزم بوده که به دنبال آشناری از پیامدهای بیوشیمیایی و اندوکرینی و توسط استرسورها در نتیجه رفتارهای کوتاه مدت و بلند مدت

E-mail: Elmira_beirami@yahoo.com

مؤلف مسئول: المیرا بیرامی - تهران: دانشگاه تربیت معلم تهران، دانشکده علوم زیستی

۱. دانشکده علوم زیستی، دانشگاه تربیت معلم تهران

۲. گروه فارماکولوژی، دانشگاه علوم پزشکی تهران

تاریخ دریافت: ۹۰/۹/۲۸ تاریخ ارجاع جهت اصلاحات: ۹۰/۱۲/۲۲ تاریخ تصویب: ۹۱/۴/۵

ایجاد می‌شوند (۱). هیپوکامپ جزء اصلی سیستم لیمبیک بوده و نقش بسیار مهمی را در نوروبیولوژی اضطراب ایفا می‌کند و با مراکز هیجانی زیادی در مغز در ارتباط می‌باشد (۲). مطالعات نشان داده‌اند که ناحیه پشتی هیپوکامپ^۱ (CA₁) تحت تأثیر برخی از داروهای مؤثر بر اضطراب مانند اتانول و بنزودیازپین ها قرار می‌گیرد (۳). تزریق آگونیست سروتونین به ناحیه CA₃ بر اضطراب تأثیری نداشته است، ولی تزریق همین دارو به ناحیه CA₁ باعث اثرات اضطراب‌زایی در مدل رفتاری ماز صلیبی شکل مرتفع^۲ می‌شود، که این پدیده ناشی از تفاوت بخش‌های شکمی و پشتی این ناحیه از نظر ارتباطات آوران و وابرائی است که با دیگر نقاط مغز از جمله آمیگدال و هسته رافه دارد. هیپوکامپ به واسطه ارتباط اش با آمیگدال و سپتوم اثر ضد اضطرابی اعمال می‌کند. تخریب الکتریکی و شیمیایی هیپوکامپ، رفتارهای شبه اضطرابی را در تست EPM^۳ نشان می‌دهد (۴). سیستم‌های نوروترانسمیتری مختلفی در هیپوکامپ وجود دارند که در تعدیل رفتارهای شبه اضطرابی دخیل می‌باشند. در میان این نوروترانسمیترها، نوراپی نفرین نقش مهمی را در تعدیل اضطراب در مدل‌های حیوانی نشان می‌دهد (۵). عملکردهای مربوط به اضطراب نوراپی نفرین به واسطه زیر واحدهای مختلف گیرنده‌های آدرنرژیک میانجی‌گری می‌شود (۶).

اضطراب موجب افزایش قابل توجهی در آزادسازی نوراپی نفرین در مناطق مختلف مغزی همچون آمیگدال، هیپوکامپ، هیپوتالاموس و لوکوس سرولئوس می‌شود (۷). هیپوکامپ ورودی‌های آدرنرژیک اصلی را از هسته لوکوس سرولئوس دریافت می‌کند (۸). گیرنده‌های آدرنرژیک در انواع مختلف سلول‌های هیپوکامپ همچون نورون‌های تحریکی اصلی، اینترنورون‌ها و سلول‌های گلیال شناسایی شده‌اند (۹، ۱۰) وجود گیرنده‌های اوپیوئیدی در

نواحی مختلف هیپوکامپ گزارش شده است. مورفین به عنوان آگونیست گیرنده μ ، مهم‌ترین آلوکالوئید تریاک در نظر گرفته می‌شود و تاکنون خواص فارماکولوژیکی زیادی در مورد مورفین در خصوص اثرات ضد دردی، کاهش حافظه و یادگیری معرفی شده است (۱۱). مطالعات بسیاری نشان داده‌اند که تزریق سیستمیک مورفین و یا سایر آگونیست‌های گیرنده μ -اوپیوئیدی سبب رفتارهای شبه اضطراب‌زدایی می‌شوند (۱۲) در حالی که آنتاگونیست‌های گیرنده اوپیوئیدی، اضطراب را در انواع مختلف مدل‌های رفتاری نظیر EPM افزایش می‌دهند (۱۳). همچنین مشخص شده است که مورفین از طریق میانکنش با بسیاری از سیستم‌های نوروترانسمیتری در جایگاه‌های مختلف مغزی، همچون هیپوکامپ، آمیگدال و هسته نوکلئوس اکومبوس رفتارهای شبه اضطراب‌زدایی را القاء می‌کند. میانکنش نوروآناتومیکی بین آکسون‌ها و پایانه‌های واجد گیرنده μ و GABA^۳ نشان دهنده یک تأثیر مستقیم میان آن‌هاست. این موضوع پیشنهاد می‌کند که اوپیوئیدهای اندوژن روی گیرنده‌های μ تأثیر کرده و سبب تغییر در میزان آزادسازی GABA از این هسته‌ها به صورت پیش و پس سیناپسی می‌شوند (۱۴). این پژوهش برای نخستین بار، با هدف مطالعه تداخل عملکرد مورفین و سیستم β -آدرنرژیک هیپوکامپ پشتی بر رفتارهای شبه اضطرابی صورت گرفته است. نقش مرکزی سیستم نورآدرنرژیک به عنوان اصلی‌ترین سیستم واسطه‌گر در رفتارهای اضطرابی و اهمیت به کارگیری داروهای نورآدرنرژیک و اوپیوئیدرژیک در مطالعات بالینی مرتبط با اضطراب، ضرورت انجام مطالعه فوق را توجیه می‌نماید. برهمکنش این دو سیستم به عنوان یک ارزش سازشی در جهت حفظ و تنظیم هومئوستازی، قابل توجه می‌باشد.

3. aminobutyric acid (GABA)

1. Cornu Ammonis (CA)
2. Elevated plus maze (EPM)

مواد و روش‌ها

حیوانات مورد آزمایش: در این مطالعه از ۱۵۶ رت نر بالغ نژاد ویستار خریداری شده از انستیتو پاستور تهران، با وزن تقریبی ۲۵۰-۲۰۰ گرم استفاده شد. حیوانات در حیوان‌خانه‌ای با دمای 22 ± 2 درجه سانتی‌گراد و دوره تاریکی روشنایی ۱۲ ساعته در قفس‌های مخصوص نگهداری شدند. در تمامی مدت نگهداری به جز هنگام آزمایش، حیوانات دسترسی آزاد به آب و غذای مخصوص موش‌ها داشتند. جهت عادت کردن حیوانات به محیط و حذف استرس‌های ناشی از جابه‌جایی، یک هفته قبل از شروع هر گونه آزمایش، حیوانات نسبت به شرایط محیط آزمایشگاه سازگاری پیدا کردند. تست‌های رفتاری بین ساعات ۱۲ تا ۴ عصر انجام گرفتند و هر حیوان فقط یکبار مورد تست قرار گرفت. رت‌ها حدود ۵ دقیقه قبل از تست رفتاری مورد نوازش (handling) قرار می‌گرفتند. لازم به ذکر است که حیوانات به ۲۶ گروه تقسیم شده و در هر گروه آزمایشی شش حیوان مورد استفاده قرار گرفت. علت انتخاب رت‌های نر بدلیل ساده‌تر بودن سیستم هورمونی و نیز تداخل کمتر هورمون‌های جنسی با داروها بود. روش جراحی و کانول‌گذاری در ناحیه هیپوکامپ پشتی (CA₁): حیوانات با تزریق درون صفاقی مخلوط کتامین هیدروکلراید (50mg/kg) و زایلین (4mg/kg) بیهوش و در دستگاه استروناکسی قرار گرفتند. دو کانول راهنمای ۲۲ گیج به صورت دو طرفه و بر اساس اطلس پاکسینوس و واتسون، در هیپوکامپ پشتی قرار داده شدند (۱۵). مختصات ناحیه CA₁ هیپوکامپ پشتی برابر: (از برگما $AP = -3.3$ mm، از خط وسط $ML = 1.8$ mm \pm و از سطح جمجمه $DV = -2.5$ mm). برای جلوگیری از مسدود شدن کانول راهنما یک سیم نازک فولادی در داخل کانول قرار داده شد. تزریق درون مغزی دارو: برای تزریق دارو پس از برداشتن سیم داخل کانول راهنما، سرسوزن ۲۷ گیج دندان‌پزشکی به طول ۹ میلی‌متر و متصل به کت دان تیوب (cat down tube)،

در داخل کانول راهنمای ۲۲ گیج قرار داده شده و در هر کانول ۰/۵ میکرولیتر دارو در مدت ۶۰ ثانیه و توسط سرنگ هاملتون تزریق شد.

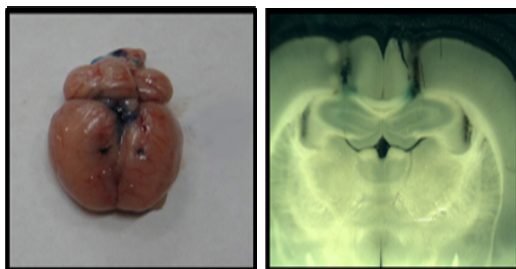
داروها: داروهای مورد استفاده در این تحقیق شامل مورفین (تماد، ایران) سالبوتامول (شرکت دارو پخش، ایران) و پروپرانولول (شرکت دارو پخش، ایران) بود، که تمامی داروها بیش از انجام آزمایش در سرم فیزیولوژیک استریل ۰/۹ درصد حل شدند. تیمارهای دارویی و آزمایش‌های انجام شده: در این تحقیق در آزمایش اول پنج گروه شش تایی از رت‌ها دوزهای مختلف مورفین (4، 5، 6 and 7 mg/kg) را ۳۰ دقیقه قبل تست در دستگاه EPM، به صورت درون صفاقی دریافت نمودند. در آزمایش دوم چهار گروه شش تایی از رت‌ها ابتدا سالیین (1 ml/kg) و یا دوز بی اثر مورفین (4 mg/kg) را به صورت درون صفاقی دریافت نموده و ۲۵ دقیقه بعد دوزهای مختلف سالبوتامول (1، 2 and 4 μ g/rat) را در ناحیه CA₁ هیپوکامپ دریافت و ۵ دقیقه بعد مورد تست قرار گرفتند. به عبارتی اثرات سالبوتامول به تنهایی و نیز همراه با مورفین بر روی اضطراب مورد ارزیابی قرار گرفت.

در آزمایش سوم چهار گروه شش تایی از رت‌ها ابتدا سالیین (1 ml/kg) و یا دوز مؤثر مورفین (6 mg/kg) را به صورت درون صفاقی دریافت نموده و ۲۵ دقیقه بعد دوزهای مختلف پروپرانولول (1، 2 and 4 μ g/rat) را در ناحیه CA₁ هیپوکامپ دریافت و ۵ دقیقه بعد مورد تست قرار گرفتند، تا اثرات پروپرانولول به تنهایی و نیز تزریق توأم آن با مورفین مورد بررسی قرار گیرد.

در آزمایش چهارم حیوانات ابتدا دوز بی‌اثر مورفین (4 mg/kg) را به صورت درون صفاقی، و بعد دوز بی‌اثر پروپرانولول (1 μ g/rat) به همراه دوز مؤثر سالبوتامول (4 μ g/rat) را در ناحیه CA₁ دریافت نمودند. تا میانکنش بین این سه دارو مورد بررسی قرار گیرد. در تمامی گروه‌های آزمایشی تزریقات درون صفاقی ۳۰ دقیقه قبل تست و تزریقات درون مغزی ۵ دقیقه قبل تست انجام گرفت.

بافتی صحت عمل کانول گذاری با استفاده از اطلس پاکسینوس واتسون مورد تأیید قرار می‌گرفت. در صورت عدم قرارگیری صحیح کانول‌ها در جایگاه مورد نظر اطلاعات مربوط به آن حیوان حذف می‌گردید، اما از آنجایی که در هر گروه ۳ حیوان علاوه بر تعداد ذکر شده (گروه‌های ۶ تایی) مورد جراحی قرار می‌گرفت، بنابراین در صورت عدم تأیید جایگاه تزریق، اختلالی در نتایج آزمایش به وجود نمی‌آمد. لازم به ذکر است که حدود ۹۹ درصد کانول‌ها دقیقاً در محل مورد نظر (CA₁) قرار گرفته بودند.

نمودارها با استفاده از نرم افزار sigma plat رسم شدند و داده‌های به دست آمده توسط نرم افزار spss و با استفاده از آزمون آنالیز واریانس یک و دو طرفه ANOVA تجزیه و تحلیل گردیدند. به دنبال F-value معنی دار آنالیز (Tukey-test) Post hoc برای مقایسه بین گروه‌ها استفاده شد $p < 0.05$ بین گروه‌های آزمایشی از لحاظ آماری معنی دار تلقی گردید. این تحقیق توسط کمیته اخلاقی دانشگاه تربیت معلم تهران مورد تأیید قرار گرفت.



تصویر شماره ۱: برش بافتی جهت تأیید صحت کانول گذاری در ناحیه CA₁ هیپوکامپ

یافته‌ها

نمودار شماره ۱ نشان دهنده اثرات تزریق درون صفاقی مورفین بر رفتارهای شبه اضطرابی می‌باشد.

آزمون رفتاری: برای سنجش میزان اضطراب دستگاه Elevated plus-maze (EPM)، مورد استفاده قرار گرفت. این دستگاه از جنس چوب بوده و دارای چهار بازو به شکل صلیب می‌باشد. دو بازوی این دستگاه فاقد هر گونه دیواره بوده و با ابعاد 10×50 cm می‌باشد. ولی دو بازوی دیگر دارای دیواره‌هایی به رنگ تیره و با ابعاد $40 \times 10 \times 50$ cm در طرفین می‌باشد. ارتفاع این دستگاه از زمین ۵۰ cm بوده و یک لامپ ۱۰۰ واتی نیز در ارتفاع ۱۲۰ سانتی متری در بالای محوطه دستگاه قرار می‌گیرد. نحوه قرار گرفتن حیوان در دستگاه طوری بود که در محوطه مرکزی و رو به یک بازوی باز باشد. در مدت ۵ دقیقه ای که حیوان آزادانه در دستگاه حرکت می‌کند، تعداد ورود به بازوهای باز و بسته و کل زمان گذرانده شده در بازوهای باز و بسته مورد اندازه گیری قرار می‌گیرند. منظور از ورود به بازوی باز یا بسته هنگامی است که هر چهار پای حیوان در بازوی مورد نظر قرار گیرد. درصد زمان گذرانده شده در بازوهای باز و درصد ورود به بازوهای باز به عنوان اندکس‌های اضطراب استاندارد هستند و به صورت زیر محاسبه می‌شوند:

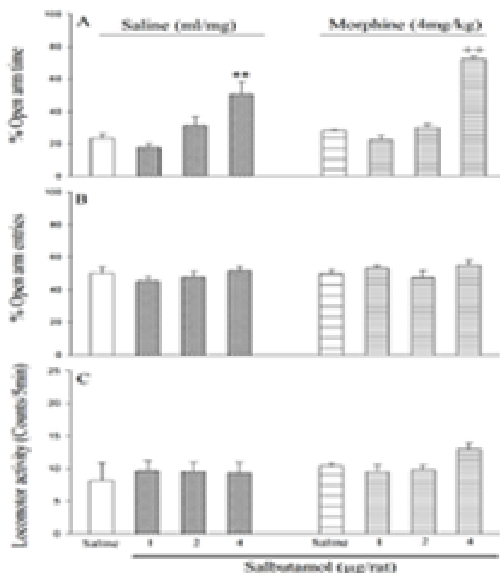
$OAT\%$: (نسبت زمان گذرانده شده در بازوهای باز به کل زمان گذرانده شده در هر یک از بازوها)،
 $OAE\%$: (نسبت ورودها به بازوی باز به کل ورود به هر دو بازو $100 \times$)، کل ورودها به بازوها به عنوان یک اندکس نسبی از فعالیت حرکتی در نظر گرفته می‌شود (۱۶).

بافت شناسی و تجزیه و تحلیل آماری: جهت تأیید درستی جایگاه تزریق، حیوانات توسط کلروفورم کشته شده و سپس با استفاده از سرنگ هامیلتون رنگ متیلن بلو از طریق کانول راهنما به داخل مغز تزریق می‌گردید. بعد از خارج کردن مغزها و فیکس نمودن آن‌ها در فرمالین ۱۰ درصد، پس از یک هفته، با انجام پروسه‌های

1. open arm time (OAT)
2. open arm entry (OAE)

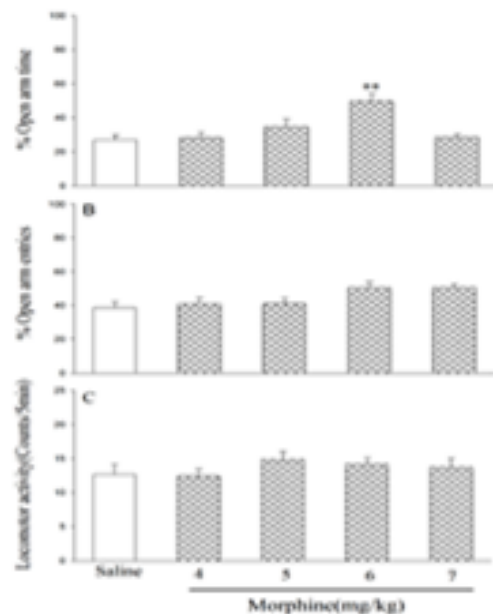
ANOVA یک طرفه تزریق درون صفاقی دوزهای مختلف مورفین (4, 5, 6 and 7mg/kg) نشان دهنده تغییر در OAT% [F (۴/۲۵)=۷/۰۹ و p < ۰/۰۱] است. ولی تغییر معنی داری در OAE% [p > ۰/۰۵] و فعالیت حرکتی [F (۴/۲۵)=۳/۱۸] و آنالیز Post hoc نشان داد که تزریق درون صفاقی دوز 6mg/kg مورفین به صورت بارزی سبب افزایش OAT% می شود که دلالت بر اثر اضطراب زدایی مورفین دارد.

ANOVA [F (۳/۲۰)=۰/۱۳ و p > ۰/۰۵] مشاهده نگردید. آنالیز Post hoc نشان داد که تزریق درون هیپوکامپی دوز 4μg/rat سالبوتامول به صورت بارزی سبب افزایش OAT% می شود، که دلالت بر اثر اضطراب زدایی سالبوتامول دارد. ANOVA دوطرفه همچنین بیان کننده تغییرات بارزی برای OAT% [p < ۰/۰۵] و مورفین می باشد. در این مورد نیز تغییر معنی داری در OAE% [F (۳/۴۰)=۰/۸۲ و p > ۰/۰۵] و فعالیت حرکتی حیوان [F (۳/۴۰)=۰/۷۳ . p > ۰/۰۵] مشاهده نشد. آنالیز Post hoc نشان داد که تزریق درون هیپوکامپی دوز 4μg/rat سالبوتامول به همراه تزریق درون صفاقی دوز 4mg/kg مورفین به طور قابل ملاحظه ای سبب افزایش در OAT% می شود، که دلالت بر اثر سینرژیستی سالبوتامول و مورفین در کاهش اضطراب دارد.



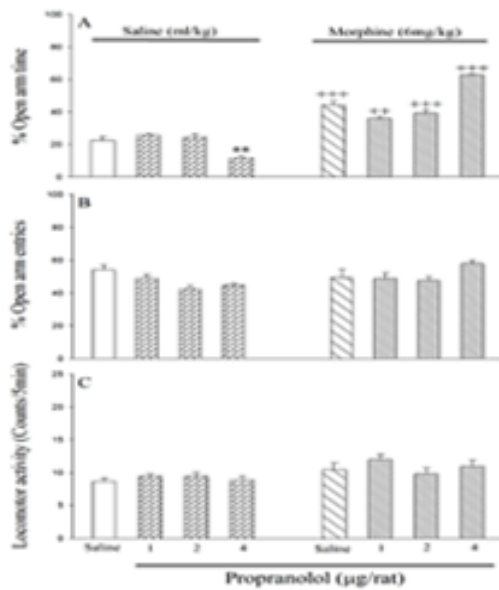
نمودار شماره ۲: اثرات تزریق دوزهای مختلف سالبوتامول درون هیپوکامپی پستی و نیز تزریق توام آن با مورفین، بر روی رفتارهای شبه اضطرابی. تفاوت با p < ۰/۰۵ بین گروه های آزمایشی در هر یک از نقاط به عنوان آمار معنی دار تلقی گردید. تفاوت های معنی دار: p < ۰/۰۱ و p < ۰/۰۱* در مقایسه با گروه کنترل سالی/سالی، + در مقایسه با گروه مربوط به خود در نمودار سمت چپ)

نمودار شماره ۱: اثرات حاصل از تزریق درون صفاقی سالی و چهار دوز مورفین بر رفتارهای شبه اضطرابی. تفاوت با p < ۰/۰۵ بین گروه های آزمایشی از لحاظ آماری معنی دار تلقی گردید. تفاوت های معنی دار: p < ۰/۰۱ نسبت به گروه کنترل سالی

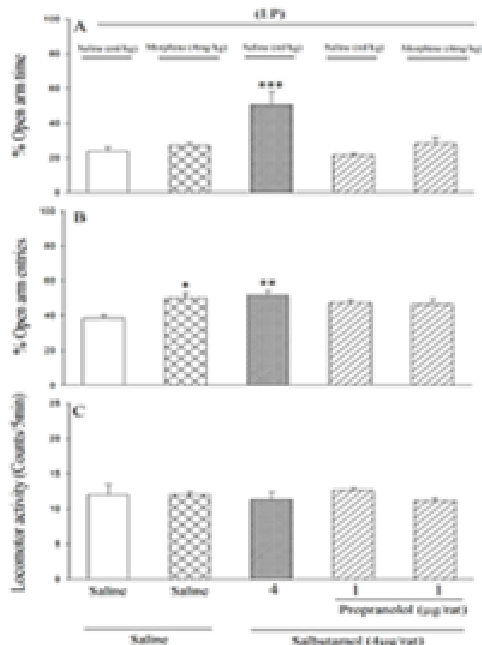


نمودار شماره ۲: نشان دهنده اثرات تزریق دوزهای مختلف سالبوتامول درون هیپوکامپی پستی و نیز تزریق توام آن با مورفین، بر روی رفتارهای شبه اضطرابی می باشد. ANOVA یک طرفه تزریق درون هیپوکامپی دوزهای مختلف سالبوتامول نشان دهنده تغییر در OAT% [p < ۰/۰۱] و OAE% [F (۳/۲۰)=۸/۸۰ و p > ۰/۰۵] و فعالیت حرکتی [F (۳/۲۰)=۰/۷۸]

ANOVA یک طرفه تزریق درون صفاقی دوزهای مختلف مورفین (4, 5, 6 and 7mg/kg) نشان دهنده تغییر در OAT% [F (۴/۲۵)=۷/۰۹ و p < ۰/۰۱] است. ولی تغییر معنی داری در OAE% [p > ۰/۰۵] و فعالیت حرکتی [F (۴/۲۵)=۳/۱۸] و آنالیز Post hoc نشان داد که تزریق درون صفاقی دوز 6mg/kg مورفین به صورت بارزی سبب افزایش OAT% می شود که دلالت بر اثر اضطراب زدایی مورفین دارد.



نمودار شماره ۳: تزریق دوزهای مختلف پروپرانولول بدون هیپوکامپ پستی و نیز تزریق توام آن با مورفین بر روی رفتارهای شبه اضطرابی. تفاوت با $p < 0.05$ بین گروه های آزمایشی در هر یک از نقاط به عنوان آمار معنی دار تلقی گردید. تفاوت های معنی دار: $p < 0.001$ و $p < 0.01$ (*در مقایسه با گروه کنترل سالین/سالین، + در مقایسه با گروه مربوط به خود در نمودار سمت چپ)



نمودار شماره ۴: اثرات میانکنش بین دوزهای بی اثر مورفین و پروپرانولول به همراه دوز مؤثر سالبوتامول بر رفتارهای شبه اضطرابی. تفاوت با $p < 0.05$ بین گروه های آزمایشی از لحاظ آماری معنی دار تلقی گردید. تفاوت های معنی دار: $p < 0.001$ و $p < 0.01$ و $p < 0.05$ * نسبت به گروه کنترل سالین

نمودار شماره ۳ اثرات تزریق دوزهای مختلف پروپرانولول بدون هیپوکامپ پستی و نیز تزریق توام آن با مورفین را بر روی رفتارهای شبه اضطرابی نشان می دهد. ANOVA یک طرفه نشان داد که تزریق دوزهای مختلف پروپرانولول سبب تغییر در $OAT\%$ [$F(3/20) = 13/91$ و $p < 0.001$] شد، اما تغییری در $OAE\%$ [$F(3/20) = 5/81$ و $p > 0.05$] و فعالیت حرکتی [$F(3/20) = 1/69$ و $p > 0.05$] مشاهده نگردید. آنالیز Post hoc نشان داد که تزریق درون هیپوکامپی دوز $4\mu\text{g}/\text{rat}$ پروپرانولول به صورت بارزی سبب کاهش $OAT\%$ می شود، که دلالت بر اثر اضطراب زایی پروپرانولول دارد. همچنین ANOVA دوطرفه نشان داد که تزریق دوز مؤثر مورفین به همراه تزریق درون هیپوکامپی پروپرانولول به صورت بارزی $OAT\%$ [$p < 0.001$] و $OAE\%$ [$F(3/40) = 52/88$] را افزایش داد، که نشان دهنده معکوس شدن اثر اضطراب زایی پروپرانولول توسط مورفین می باشد. در این مورد نیز تغییر معنی داری در $OAE\%$ [$F(3/40) = 3/52$ و $p < 0.05$] و فعالیت حرکتی [$F(3/40) = 0/88$ و $p > 0.05$] حیوان مشاهده نشد.

نمودار شماره ۴ نشان دهنده اثرات میانکنش بین تزریق دوز بی اثر مورفین ($4\text{mg}/\text{kg}$) و پروپرانولول ($1\mu\text{g}/\text{rat}$) به همراه دوز مؤثر سالبوتامول ($4\mu\text{g}/\text{rat}$)، بر روی اضطراب می باشد. در این مورد ANOVA یک طرفه نشان داد که تزریق درون هیپوکامپی دوز بی اثر پروپرانولول، پاسخ اضطراب زدایی سالبوتامول به همراه مورفین را در تست EPM بر می گرداند. در واقع پروپرانولول در این دوز به عنوان آنتاگونیست مانع بروز اثرات آگونیست می شود. برای $OAT\%$ [$p < 0.001$] و $OAE\%$ [$F(4/25) = 8/95$] و فعالیت حرکتی به ترتیب [$F(4/25) = 4/38$ و $p < 0.01$] و $[F(4/25) = 0/48$] $p > 0.05$ به دست آمد.

بحث

نتایج حاصل از این تحقیق نشان می‌دهد در تزریق دوزهای مختلف مورفین حداکثر تأثیر در کاهش اضطراب در دوز (6mg/kg) مشاهده شد، ولیکن در دوز بیشتر (7mg/kg) میزان اثر دارو پایین آمد، که این حالت می‌تواند به علت درگیر شدن گیرنده‌های مختلف اوپیوئیدی باشد. نتایج مطالعه حاضر در توافق با سایر مطالعاتی هستند که یک اثر شبه اضطراب‌زدایی را در مورد مورفین به دنبال تزریق سیستمیک (۱۷)، درون بطنی (۱۸) و تزریق برون هیپوکامپ شکمی و نوکلئوس آکومبوس (۱۹) نشان دادند. مورفین از طریق گیرنده μ -اوپیوئیدی اثرات اضطراب‌زدایی خود را احتمالاً از طریق میانکشن با سیستم گابا انجام می‌دهد، به طوری که مورفین از طریق سرکوب ورودی‌های مهاری GABA روی نورون‌های دوپامینرژیک که از هسته VTA (Ventral tegmentum area) می‌آیند، این تأثیر را اعمال می‌نماید (۲۰). گیرنده‌های اوپیوئیدی در مسیرهای دوپامینرژیک در استریاتوم و هسته اکومبوس با تراکم بالایی یافت می‌شوند و در این نواحی ارتباط متقابلی بین سیستم اوپیوئیدی و دوپامینی وجود دارد. برای مثال تزریق درون بطنی آگونیست‌های گیرنده μ -اوپیوئیدی آزادسازی دوپامین را در مغز تسهیل می‌نمایند (۲۱). بنابراین احتمال دارد که بخشی از اثرات مورفین بر پاسخ‌های هیجانی با واسطه این نوروترانسمیتر میانجیگری شود.

نتایج نشان دادند که تزریق سالبوتامول برون هیپوکامپ پشتی سبب افزایش OAT% می‌گردد که نشان دهنده پاسخ اضطراب‌زدایی می‌باشد. این یافته‌ها در توافق با مطالعاتی هستند که بیان نموده‌اند آگونیست‌های تحریکی β_3 -AR می‌توانند برای درمان اختلالات اضطرابی به کار روند (۲۲). همچنین مشخص شده است تزریق سیستمیک سالبوتامول باعث افزایش OAT% و OAE% می‌گردد. به علاوه مطالعات نشان داده‌اند زیر واحدهای مختلف β -ARs (β_1 ، β_2 و β_3) که

جزء گیرنده‌های متصل به G پروتئین‌ها هستند، ممکن است اثرات مختلفی را در تنظیم اضطراب نشان دهند (۲۳، ۲۲). رفتار شبه اضطراب‌زدایی سالبوتامول در دوز بالا ممکن است به دلیل کاهش فعالیت مکانیسم نورآدرنرژیک و یا به علت تغییر در آزادسازی نوروترانسمیترهای دخیل در اضطراب باشد. جهت بررسی میانکشن بین سیستم آدرنرژیک و اوپیوئیدرژیک در تعدیل اضطراب، دوزهای مختلف سالبوتامول به همراه دوز بی اثر مورفین، که به تنهایی سبب ایجاد پاسخ معنی‌داری نگردید، تزریق شد که نتیجه‌اش افزایش قابل توجهی در OAT% بود. یک احتمال می‌تواند این باشد که مکانیسم‌های نورآدرنرژیک در هیپوکامپ پشتی ممکن است در میانجیگری اثرات اضطراب‌زدایی ناشی از مورفین دخیل باشند. نتایج حاضر در توافق با مطالعاتی هستند که نشان داده‌اند، تزریق سیستمیک مورفین و بتا اندورفین می‌تواند آزادسازی نوراپی نفرین در کورتکس مغزی را مهار نماید و کاهش نوراپی نفرین سبب القای پاسخ ضد اضطرابی می‌گردد (۲۴). سیستم‌های اوپیوئیدی و نورآدرنرژیکی به صورت پیچیده‌ای با یکدیگر تقابل و تعامل دارند، برای مثال نشان داده شده است که اوپیوئیدها فعالیت نورآدرنرژیک را در هیپوکامپ (۲۵) کورتکس (۲۶) و لوکوس سرولئوس (۲۷) موش بزرگ آزمایشگاهی مهار می‌کنند، که این مهار توسط آنتاگونیست‌های اوپیوئیدی معکوس می‌گردد. بنابراین تزریق آگونیست β_2 -AR با کاهش فعالیت سیستم آدرنرژیکی در مغز و تزریق مورفین با کاهش آزادسازی نوراپی نفرین، به صورت سینرژستی سبب کاهش بیشتر اضطراب در مقایسه با زمانی می‌شود که این داروها به تنهایی تزریق می‌گردند.

در مطالعه حاضر تزریق درون هیپوکامپی پروپرانولول باعث افزایش اضطراب در تست EPM گردید. نتایج آزمایش‌های فارماکولوژیکی شامل به کارگیری آگونیست‌ها و آنتاگونیست‌های مختلف

داده‌اند هنگامی که مورفین به صورت مداوم تزریق می‌گردد، سبب تغییرات سازشی در گیرنده‌های آدرنژیک پس و پیش سیناپسی می‌شود، ولی با قطع مصرف مورفین تحریک پذیری نورون‌های LC افزایش یافته، بنابراین سبب افزایش فعالیت و آزادسازی نوراپی نفرین و به دنبال آن باعث بروز اضطراب می‌گردد. گیرنده‌های μ -اوپیوئیدی همچنین از طریق ارتباط با دندریت نورون‌های حاوی آنزیم سنتز کننده اپی نفرین یعنی فنیل اتانول آمین N-متیل ترانسفراز (PNMT) می‌توانند میزان فعالیت این نورون‌ها را تنظیم نماید و این موضوع پیشنهاد می‌کند که گیرنده اوپیوئیدی می‌تواند میزان فعالیت این نورون‌ها را تنظیم نماید. هنگامی که آگونیست گیرنده μ بصورت گلوکو کورونیک تزریق می‌شود، می‌تواند سبب ایجاد یک سری تغییرات سازشی در نورون‌های نورآدرنژیک واقع در لوکوس سرولئوس شود. لذا اینترنالیزه شدن رسپتورهای μ از طریق تزریق مزمن آگونیست رسپتور μ ، Endorphine، سبب ایجاد تغییرات سازشی می‌گردد (۳۳). مطالعات قبلی اثر مورفین را به تنهایی بر اضطراب مورد بررسی قرار داده‌اند، اما در مطالعه حاضر ما به بررسی میانکنش مورفین با سیستم آدرنژیک پرداخته و نتایج حاصل بیان نمودند که سیستم اوپیوئیدرژیک با سیستم آدرنژیک ناحیه CA_1 هیپوکامپ برهمکنش داشته و سبب کاهش رفتار اضطرابی می‌گردد. با توجه به نتایج مطالعه حاضر تحریک گیرنده اوپیوئیدی توسط مورفین به نظر می‌رسد با تحت تاثیر قرار دادن فعالیت گیرنده‌های β -آدرنژیک سبب مهار اضطراب می‌گردد.

در پایان می‌توان نتیجه‌گیری کرد که سیستم آدرنژیک دستگاه لیمبیک در ناحیه CA_1 هیپوکامپ با سیستم اوپیوئیدرژیک جهت تعدیل رفتارهای شبه اضطرابی برهمکنش دارند. تزریق مورفین به صورت سیستمیک احتمالاً با تعدیل در عملکردهای نورون‌های نورآدرنژیک هیپوکامپ پستی سبب تغییر در اثرات سیستم β -آدرنژیک بر روی اضطراب می‌گردد.

گیرنده‌های آدرنژیک در مدل‌های حیوانی اضطراب متناقض است که ممکن است به دلیل میانکنش با سایر گیرنده‌های مونوآمینی باشد (۲۸). به عنوان مثال یوهمبین، آتاگونیست گیرنده α_2 -آدرنژیک، که آزادسازی نوراپی نفرین را در مغز افزایش می‌دهد، تأثیر اضطراب زایی در رت‌ها داشته است (۲۹). مطالعات نشان داده‌اند که آتاگونیست‌های انتخابی β_2 -AR به نظر می‌رسد که در درمان اضطراب حاد بی اثر بوده اما در اضطراب‌های مزمن مؤثر می‌باشند که بستگی به میزان اضطراب و آزادسازی نوراپی نفرین دارد (۳۰) نشان داده شده که پروپرانولول باعث تعدیل رهاپش گابا در مسیر پروجکشن‌های گاباژریکی هیپوکامپ به سپتوم می‌گردد و از این طریق سبب افزایش ورودی‌های تحریکی از سپتوم به هیپوکامپ شده و خود سپتوم هم آزادسازی استیل کولین به عنوان نوروترانسمیتر دخیل در اضطراب، را به هیپوکامپ تسهیل کرده و سبب القای رفتارهای اضطراب‌زایی می‌گردد. همچنین بیان شده است که تزریق دوزهای پایین پروپرانولول باعث اثرات اضطراب زدایی می‌شود (۳۱). شایان ذکر است که نوع تست (EPM)، محل تزریق (CA_1) و نیز دوزهای مورد استفاده پروپرانولول در این تحقیق متفاوت از تحقیقات قبلی می‌باشد. تزریق دوز مؤثر مورفین اثر اضطراب زایی القا شده بوسیله پروپرانولول را به صورت معنی‌داری برگرداند. لوکوس سرولئوس (locus ceruleus (LC یکی از بزرگ‌ترین هسته‌های نورآدرنژیک مغزی و غنی از گیرنده‌های اوپیوئیدی و گیرنده‌های α_2 -آدرنژیک پیش سیناپسی متصل به G پروتئین مهاری (G_i) می‌باشد (۳۲). هنگامی که مورفین به صورت حاد تزریق می‌گردد منجر به مهار نورون‌های LC و فعال نمودن α_2 -AR می‌گردد، که نتیجه آن کاهش بیشتر در آزادسازی نوراپی نفرین به هیپوکامپ و القای رفتار اضطراب زدایی می‌باشد (۲۷). پاسخ اضطراب زدایی دوز مؤثر مورفین تا اندازه‌ای قوی می‌باشد که مانع از بروز رفتار اضطراب زایی پروپرانولول می‌شود. مطالعات نشان

References

1. Nutt DJ. Neurobiological in generalized anxiety disorder. *Journal Clin Psychiatry* 2001; 62(11): 22-27.
2. Enjin E, Treit A. The role of hippocampus in anxiety: intracerebral infusion studies. *Behavioural pharmacology* 2007; 18: 365-374.
3. Ferreira M, Valen ZF, Morat GS. Role of nitric oxide dependent pathways in ethanol-induced anxiolytic effects in rat. *Alcohol clin EXP Research* 1999; 23: 898-904.
4. Philips RG, LeDoux JE. Differential contributions of amygdala and hippocampus to cured and contextual fear conditioning. *Behaviour Neuroscience* 1992; 106: 274-285.
5. Dennis S, Charney J, Bremner D, Eugene Redmond Jr D. Noradrenergic Neural Substrates for Anxiety and Fear: Clinical Associations Based on Preclinical Research *Neuropsychopharmacology: the Fifth Generation of Progress*. 2000
6. Brunello N, Blier P, Judd LL, Mendlewicz J, Nelson CJ, Souery D, et al. Noradrenaline in mood and anxiety disorders: basic and clinical studies. *Int. Clin. Psychopharmacol* 2003; 18: 191-202
7. Bremner JD, Krystal JH, Southwick SM, Charney DS. Noradrenergic mechanisms in stress and anxiety: I. Preclinical studies. *Synapse* 1996; 23: 28-38.
8. Loy R, Koziell DA, Lindsey JD, Moore RY. Noradrenergic innervation of the adult rat hippocampal formation. *J. Comp. Neurol* 1980; 189: 699-710.
9. Bergles DE, Doze VA, Madison DV, Smtth SJ. Excitatory actions of norepinephrine on multiple classes of hippocampal CA1 interneurons. *J. Neurosci* 1996; 16: 572-585.
10. Madison DV, Nicooll RA. Actions of noradrenaline recorded intracellularly in rat hippocampal CA₁ pyramidal neurones, in vitro. *J. Physiol. Lond.* 1986; 372: 221-244.
11. Herz A, Akil H, Simon EJ. The Opioids. *Handbook of Experimental Pharmacology*. Vol. 104/11. Berlin: Springer-Verlag: 1992.
12. Zarrindast MR, Rostami P, Zarei M, Roohbakhsh A. Intracerebroventricular effects of histaminergic agents on morphine-induced anxiolysis in the elevated plus-maze in rats. *Basic and Clinical Pharmacology and Toxicology* 2005; 97, 276-281
13. Tsuda M, Suzuki T, Misawa M, Nagase H. Involvement of the opioid system in the anxiolytic effect of diazepam in mice. *Eur J Pharmacol* 1996; 307: 7-14.
14. LeMerrer J, Cagniard B, Cazala P. Modulation of anxiety by opioid receptors of the lateral septal region in mice. *Pharmacology Biochemistry and Behavior* 2006; 83: 465-479.
15. Paxinos G, Watson C. The rat brain in stereotaxic coordinates. 6th ed. San Diego, CA: Academic Press;(2007).
16. Rodgers RJ, Johnson NJT. Factor analysis of spatiotemporal and ethological measures in the murine elevated plus-maze test of anxiety. *Pharmacol Biochem Behav* 1995; 52: 297-303.
17. Koks S, Soosaar A, Voikar V, Bourin M, Vasar E. BOC-CCK-4, CCK (B) receptor agonist, antagonizes anxiolytic-like action of morphine in elevated plus-maze. *Neuropeptides* 1999; 33: 63-9.
18. Kahveci N, Gulec G, Ozluk K. Effects of intracerebroventricularly injected morphine on anxiety, memory retrieval and locomotor activity in rats: involvement of vasopressinergic system and nitric oxide pathway. *Pharmacol Biochem Behav* 2006; 85: 859-67.

19. Zarrindast MR, Babapoor-Farrokhran S, Rezayof A. Involvement of opioidergic system of the ventral hippocampus, the nucleus accumbens or the central amygdala in anxiety-related behavior. *Life Sci* 2008; 82: 1175–81.
20. Johnson SW, North RA. Opioids excite dopamine neurons by hyperpolarization of local interneurons. *J Neurosci* 1992; 12: 483–8.
21. Kabuto H, Yokoi I, Iwaya K, Mori A. Monoamine release in the rat striatum is induced by delta-guanidinovaleric acid and inhibited by GABA agonists. *Life Sci* 1995; 56: 1741–8.
22. Stemmelin J, Cohen C, Terranova JP, Lopez-Grancha M, Pichat P, Bergis O, et al. Stimulation of the beta(3)-adrenoceptor as a novel treatment strategy for anxiety and depressive disorders. *Neuropsychopharmacology* 2008; 33: 574–587
23. Pandey SC, Zhang H, Roy A, Xu T. Deficits in amygdaloid cAMP responsive element-binding protein signaling play a role in genetic predisposition to anxiety and alcoholism. *J. Clin. Invest* 2005; 115: 2762–2773.
24. Arbilla S, Langer SZ. Morphine and beta-endorphin inhibit release of noradrenaline from cerebral cortex but not of dopamine from rat striatum. *Nature* 1978; 271: 559–561.
25. Matsumoto M, Yoshioka M, Togashi H. μ -opioid receptors modulate noradrenaline release from the rat hippocampus as measured by brain microdialysis. *Brain*, 1994; 636: 7-8.
26. Tglesios V, Alguacil LF, Alamo C, Cuenca E. Effects of yohimbine on morphine analgesia and physical dependence in the rat. *Eur. J. Pharmacol* 1992; 211: 35-38.
27. Sklair tavron L, Nestler EJ, Segal M. Locus coeruleus (LC) target interaction and cAMP in control of LC development. *Brain Res. Bull.* 1994; 35: 397-401.
28. Ohno M, Kobayashi M, Kishi A, Watanabe S. Working memory failure by combined blockade of muscarinic and beta-adrenergic transmission in the rat hippocampus. *Neuroreport* 1997; 8: 1571–1575.
29. Tanaka M, Yoshida M, Emoto H, Ishii H. Noradrenaline systems in the hypothalamus, amygdala and locus coeruleus are involved in the provocation of anxiety: basic studies. *Eur. J. Pharmacol.* 2000; 405: 397–406.
30. Cooper SJ, Kelly CB, McGilloway S, Gilliland A. Beta 2-adrenoceptor antagonism in anxiety. *Eur. Neuropsychopharmacol.* 1990; 1: 75–77
31. Jie Zhang, Jing He, Yan Mei Chen, Jian Hong Wang, Yuan Ye Ma. Morphine and propranolol co-administration impair consolidation of Y-maze spatial recognition memory. *Brain research* 2008; 1230: 150-157.
32. Gibbs ME, Hutchinson DS, Summersb RJ. Noradrenaline release in the locus coeruleus modulates memory formation and consolidation; Roles for α - And β - adrenergic receptors. *Neuroscience* 2010; 170: 1209–1222.
33. Rudoy CA, Van Bockstaele EJ. Betaxolol, a selective β 1-adrenergic receptor antagonist, diminishes anxiety-like behavior during early withdrawal from chronic cocaine administration in rats. *Neuropsychopharmacol Biol Psychiatry* 2007; 31: 1119–1129.